

دلنوشته سیر در عرش

نویسنده: کاف \_ طوفان

کاف نویسندگان

Www.CafeWriters.Ir

# سیر در عرش

Seyr Dar Arsh

Wri:Avesta

Des:Dawshim(Essence)

www.Cafewriters.ir

روزگار هبوط انسانیت!

دیر نباشد، که حیوانات برای کوچک شمردن هم...

به یکدیگر گویند: انسان!



## اطلاعات اثر

- ❖ دسته‌بندی: دلنوشته
- ❖ عنوان: سیر در عرش
- ❖ ژانر: اجتماعی \_ تراژدی
- ❖ نویسنده: کوهیار راد

## شناسنامه‌ی اثر

- ❖ سطح اثر: محبوب
- ❖ ناظر: -
- ❖ ویراستار: aynaz\_xd
- ❖ طراح: -
- ❖ کیبست: SH.EL

## خلاصه‌ی داستان

قصه‌ی ما، قصه‌ی شهری‌ست که،  
همه در سر سودای  
پرواز بر فراز آسمان را  
همچون پرنده‌ی آزادی دارند؛  
اما  
مسئله این‌جاست که  
مرغان خانگی بیش نیستند!



آدم‌ها!

چیزهایی را که عاجزشان می‌کنند،

شوم می‌دانند!

مانند آوازِ کلاغیِ پَرِ ریخته بر بام برجِ آزادی.

\*\*\*

جمجمه‌ام را که بشکافی،

یک پر از خالی نصیبت می‌شود.

در این سرزمین مغزم را

حرف‌های بی‌حرف خورده است.

\*\*\*

دست‌هایم تاول‌زده است،

از بی‌کاری

در این هیاهوی سکوتِ اجباری!

\*\*\*

از دید تو یک بازی‌ست؛

از دید من، یک بی‌اختیاری‌ست که

این زندگی، زندگی نمی‌شود!

زنده‌گیر می‌شود!

\*\*\*



سرم درد می گیرد  
از شنیدن خنده‌های کودکی شیرین عقل  
در جهنمی به نام زمین!  
بدون درکی از وسعت آن.

\*\*\*

یکی در فکر نان  
یکی بی فکر و خنده‌کنان!  
یکی گریان از جبر ستمکاران،  
یکی من بی خیال و له‌له‌کنان؛  
با هم می شویم،  
دنیای ساخته شده دست دولت‌مردان!

\*\*\*

وجدانم درد می گیرد  
وقتی کرم‌های انسانیت را،  
در زندگی دیگران تف می‌کنم!

\*\*\*

امان از روزی که  
کمر خم شده‌ات را  
به این جماعت سوارکار نشان بدهی!  
تا عمر داری باید برایشان جفتک بندازی.



\*\*\*

پنجره‌ها را باید گشود،  
انسانیت را باید در کیسه زباله‌ها انداخت،  
با لباس بره‌ها آن را کول کرد و سرِ کوچه گذاشت.  
جای چنگیز مغول چه خالی‌ست!

\*\*\*

سخت است به مردمی که  
تا آتش می‌بینند روی آن آب می‌ریزند.  
یاد داد، آتش را با خاک خاموش می‌کنند!

\*\*\*

باید سوت زدن را تمرین کرد،  
برای وقت‌هایی که آدم‌ها  
انسانیت‌ات را طلب می‌کنند؛  
می‌شود سوت زد و از کنارشان گذشت!

\*\*\*

انسانیت را باید در کیف پول‌ها گذاشت.  
بخواهی خرج این جماعت کنی،  
برچسب حیوانات می‌خوری!

\*\*\*



پيله‌ها در اين جا  
از ابريشم نيستند!  
سيم‌هايي مسي هستند، كه  
به دورِ كرم‌هاي انسانيت پيچيده شده‌اند!

\*\*\*

مي‌گويند خاكي باش!  
خاكي بودن پيشه‌ي كار كرم‌هاست؛  
انسان را چه به خاكي بودن؟!

\*\*\*

همچون طفلي گريز پا،  
مي‌دويم در كوچه پس كوچه‌ها  
از بي روزنامه‌ها،  
كه از چه باخبر شويم؟!  
آدم‌ها يا آدميت‌ها؟!

\*\*\*

مانند پرگاري پيچ بريده،  
مي‌گرديم دور روزگار  
اما دايره‌ي ما هميشه، كمی بيضي است!

\*\*\*



مشکل از آن جا شروع می‌شود  
که انسانیت را برای حل مشکل،  
مشکل گشا می‌کنند!

\*\*\*

تف به پای باغچه‌ی گل؛  
که گل‌هایش، به زنبور نخ می‌دهند!  
و برای خورشید لبخند می‌زنند  
و بعد برای بلبل نامه‌ای از برگ می‌فرستند.

\*\*\*

تف به پای باغچه‌ی درخت!  
که درخت‌هایش به پرندگان آشیان می‌دهند  
و برای بهار لبخند می‌زنند  
و بعد برای خاک دم از ریشه می‌زنند!

\*\*\*

رانندگی کردن در این سرزمین  
مانند راندن الاغکی پیر  
در بیابان خشک خداست.  
ولی شگفتا که مردمش،  
حس سوارکاران سوار بر اسب گرفته‌اند!

\*\*\*



میان ماندن و رفتن،  
باید ماندن را انتخاب کرد!  
ماندن برای گرفتن حق از مظلوم  
و دادن حق به ظالم!  
و سپردن عدالت به دست حاکم معذور!

\*\*\*

شرم را باد از صحرای دیده برد،  
به جایش شن‌های زبر  
منطق ته نشین شد.  
ریز، سیاه، آنچنان که سوزش‌اش  
جان را از دیده گرفت.

\*\*\*

کُشت!  
حسرت نورِ پشتِ پنجره،  
کلاغک اسیر شده‌ی  
درونِ قفس را.

\*\*\*

دارکوب عذاب بر تنه جمجمه‌هایمان کوبید!  
زد و زد تا که از آن تنه تنها تکه‌ای چربی ماند!





چه باید کرد با آن تکه که ادعای برتری دارد؟  
تکه چربی که قدر دفاع از خود را ندارد؛ اما ادعای قدری می‌کند.

\*\*\*

دندان‌هایم ریخت  
بس که زندگی را به چنگ  
و دندان کشیدم.  
ناخن‌هایم باشد پیشکش!

\*\*\*

درد به جانِ جان می‌افتد؛  
وقتی که میان فریادهای دادخواه،  
فریادهای حشو زده به گوش می‌رسد!  
رسمش پنهان شدن است  
پشت مظلومان و به سود ظالمان.

\*\*\*

همه متهم ردیف اول خیانت،  
حیرت زده از این راز که  
آدم درستکار کیست؟!  
کیست که نه مجرم باشد و نه ظالم؟!  
درست کار باشد و مؤمن؟!  
نه نیست!



«کافه نویسندگان مرجع رمان»

در صورتی که مایل به همکاری با ما هستید و یا نویسنده هستید و می  
خواهید که رمان ها و شعر هایتان در قالب نرم افزار موبایل ساخته و  
منتشر شوند می توانید به وب سایت ما مراجعه کرده و با ما تماس  
بگیرید.

مدیریت: حسین نجفی، نگارداردان

انجمن: <http://forum.cafewriters.xyz/> 

وبسایت: <http://cafewriters.xyz/> 

اینستاگرام: [http://instagram.com/cafewriters\\_xyz/](http://instagram.com/cafewriters_xyz/) 